

۱۶۳۳۰۰۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دن یت احمق هستم، شما چطور...!!!

روز سنده:

حسن دایک



سرشناسه	: چاپک، حسن، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: من یک احمق هستم شما چطور!!!/نویسنده حسن چاپک
مشخصات نشر	: تهران: چاپک اندیش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
شابک	: 978-600-5861-28-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: کودنی
موضوع	: Stupidity
موضوع	: راه و رسم زندگی -- جنبه های روانشناسی
موضوع	: Conduct of life - Psychological aspects
موضوع	: موفقیت -- جنبه های روانشناسی
موضوع	: Success - Psychological aspects
موضوع	: خودشناسی
موضوع	: Self-perception
موضوع	: خودیاری
موضوع	: Self-help techniques
رده بندی کنگره	: ۱۵۸/۱ ج ۲/۲ BF۶۳۷
رده بندی دیویی	: ۱۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۸۱۰۲

❖ من یک احمق هستم، شما چطور...!!!

❖ نویسنده : حسن چاپک

❖ ناشر : چاپک اندیش

❖ ویراستار : زهره افتخاری

❖ شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

❖ نوبت چاپ : اول ۱۳۹۷

❖ قیمت : ۱۶۰۰۰ تومان

❖ شابک : ۰ - ۲۸ - ۵۸۶۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸



فهرست مطالب

۵	مقدمه
۹	زندگی را زندگی باید کرد
۱۲	احمق‌ها چه کسانی هستند؟
۱۴	باورهای درست با ملط در زندگی
۲۸	تنها و تنها احمق‌ها را ناتوانی می‌زند
۳۰	زندگی ماشینی
۳۳	آموزش، دانش‌آموختگی، احمق، به‌دانش دیگر هیچ
۳۶	جامعه بی‌سواد چگونه به‌وجود می‌آید؟
۳۹	زمانی که دوستان یک آدم احمق است!
۴۰	توقع آدم‌های احمق از یکدیگر:
۴۳	چه زمانی در نظر دوستان و اطرافیان‌تان احمق به‌نظر می‌رسید؟
۴۶	احمق‌ها همیشه معترض‌اند
۴۸	تحمل و مدارا
۵۰	زخم زبان
۵۳	دروغگوها احمق هستند
۵۴	دروغ‌گویی فطری است یا اکتسابی؟
۵۵	پیامدهای دروغ‌گویی
۵۸	چاپلوس‌های احمق
۵۹	فتنه‌گرهای احمق

۶۰	مداخله‌جویی‌های احمق
۶۲	اعتماد
۶۵	انتقام (قدرت کینه)
۶۹	قربانی شدن و فداکاری
۷۲	تناقض‌گویی در رفتار
۷۵	ارتباط بین افراد فقط شامل احساسات و روابط جنسی نیست
۷۸	چشم و هم‌چشمی
۸۲	والدین
۸۵	آه و افسوس گذشته
۸۸	وکیلان یا تازه به دوران رسیده‌ها
۹۷	بزرگ‌ها
۱۰۰	باورها
۱۰۴	لجاجت احمقانه
۱۰۶	من همینم به هم
۱۰۷	خودتان باشید
۱۱۲	ارزش‌ها
۱۱۳	قیمت تو چقدر است؟
۱۱۵	احمق‌های اداری
۱۱۸	محیط زیست از نگاه احمق‌ها
۱۲۰	احمقی و مفت‌خوری
۱۲۳	آیا احمق بودن مادرزادی است؟
۱۲۶	آدم خوش‌سخن احمق
۱۲۸	پراکنده‌ها
۱۴۳	سخن پایانی

مقدمه

ما در فرهنگی زندگی می‌کنیم که اصالت را در سابقه و ریشه افراد جستجو می‌کند نه در اعمال و رفتار منحصر به فرد آن‌ها. آنچه ما انجام می‌دهیم براساس آموخته‌هایی است که در دنیای پیرامونمان دیده‌ایم و خود با تجربه آن را کسب کرده‌ایم. هیچ‌گاه در درستی و یا نادرستی مسأله‌ای تردید به خود راه نمی‌دهیم؛ این تردید موجب شود درباره آن مسأله ریشه‌یابی کنیم و به درک درستی از آن برسیم.

بیشتر افراد حتی خود من وقتی می‌خواهیم در رسانی مسأله‌ای تأکید داشته باشیم، می‌گوییم «پدرم گفت...» و یا از افرادی نام می‌بریم که به زبان آوردن اسم‌شان باعث می‌شود دیگران حرف‌مان را بنیید کنند. مسیر زندگی مملو از ناهمواری‌ها و پیچ و خم‌های فراوانی است؛ اگر با اندیشه درست همراه شود، بسیار لذت‌بخش است، اما اگر به درک درستی از زندگی نرسیم، باید با چالش‌های آن دست و پنجه نرم کنیم؛ آن هم با سختی و گله و شکایت فراوان.

در تمام جوامع بشری ثابت شده است هر کاری که انجام می‌شود، اگر ایده و هدف مشخصی را دنبال کند، حتی اگر به نتیجه رسیدن آن سخت و دشوار باشد، باز هم به نتیجه و دست‌آوردهای زیادی می‌رسد؛ البته این بستگی دارد به این‌که ما موفقیت را چگونه در ذهن خود تعریف کنیم؛ گاهی درآمد یا گاهی تجربه، اما در دنیای امروزی فرصتی برای تجربه‌اندوزی نیست. همه ما از صبح تا شب در حال سبقت گرفتن از یکدیگر هستیم، همدیگر را دور می‌زنیم، به هم دروغ می‌گوییم، پنهان کاری می‌کنیم تا بتوانیم به اهدافی که برایمان تعریف شده است برسیم، حال آنکه وقتی فرقی نمی‌کند. ما کمتر فکر می‌کنیم و بیشتر اوقات برای رسیدن به مقصد همنشین دروغ می‌شویم تا این‌که در بستر صداقت بی‌اساییم، راه میان‌بر را به راه درست و سلامت ترجیح می‌دهیم. در واقع می‌پذیریم که احمقانه، راه خود ادامه دهیم و هیچ‌گاه خود و اندیشه خود را نقد نمی‌کنیم. هیچ‌گاه تنبیه خود فکر نمی‌کنیم، چون بیشتر وقت‌مان را سرک کشیدن در زندگی و احاطات دیگران پر کرده است. اگر با خودمان صادق باشیم، می‌بینیم از راه خودمان به جای لذت بردن، پر کردن وقت‌اش به ما رسیده است.

یکی از مهم‌ترین عناصر در آشتی با خود و پذیرش خودمان، آن‌طور که هستیم، این است که جنبه‌های تاریک وجود خویش را بررسی کنیم. اگر سایه‌های تاریک وجودیمان را نبینیم و آنها را نپذیریم، تأثیر مخرب بر زندگی ما بر جای می‌گذارند.

باید در قبال خودمان تعهد و اصالت داشته باشیم تا بتوانیم سایه‌های

تاریک وجودمان را شناسایی کرده و به شکلی مثبت آنها را در زندگی خود وارد کنیم، زیرا بخشی از رفتار ما ناخودآگاه است. ما غالباً پیش از آن که عیب‌های خود را تشخیص دهیم، آنها را در دیگران می‌بینیم و این باعث می‌شود از نظر هیجانی بیش از حد نسبت به شخصیت یا ویژگی‌های افراد از خود واکنش نشان دهیم. باید عنصر منجرکننده در درون خود را شناسایی کرده و از آن دوری کنیم به جای این‌که با آن همسان شویم. وقتی احساس همسانی کنیم، به ما احساس ناخوشایندی دست می‌دهد. پس اگر بتوانیم بر سایه‌های تاریک وجودمان مسلط شویم، او بر ما مسلط می‌شود و به هرکجا که دلش بخواهد ما را می‌کشاند، زندگی را باید ترک کرد و صادقانه اول با خودمان و بعد با دیگران همراه شویم.

کتاب «من یک احمق هستم، شما - نور...؟!» سعی کرده است با زبان ساده و عامیانه به برخی از مشکلات ریز درشت جامعه امروزی بپردازد، شاید تلنگری باشد بر افرادی که ندانسته و یا ناخواسته باعث شده‌اند که جامعه امروز ما، جامعه باثباتی نباشد. آنچه مسلم است این که همه آدم‌ها دنبال پیشرفت خود و در کنار آن به دنبال آرامش خاطر هستند. باید بپذیریم که عده‌ای سودجو نمی‌خواهند آن‌طور که باید جامعه پیش برود.

امروزه آنچه در جامعه به وقوع می‌پیوندد خواست ملت بزرگ ما نیست و دست‌اندرکاران و مجریان، شاید به آنها فکر نمی‌کنند، اما واقعیت این است که این اتفاقات و مشکلات کوچک رشد می‌کنند و

مانع اصلی پیشرفت هستند.

«ما را همان بس که سزاوار آن هستیم» پس برای داشتن یک جامعه پویا و سرزنده لازم است که به فردیت نیندیشیم و به ما بیندیشیم تا کمتر دچار چالش و نابسامانی گردیم.

زندگی به نگاه معصومانه کودکی می ماند که دوست را از دشمن تشخیص نمی دهد، پس با هوشیاری کامل آن را طی کنید

صداقت، روزنی و شادکامی، آرزوی قلبی من برای شماست.

حسن چابک

خرداد ماه ۱۳۹۷